

## جراحی لهجه یا فرهنگ؟



علی مسعودی نیا

نویسنده

بله، باورکردنی نبود، اما مدیر تیم فوتبال کشور، باشگاهی که پسوند پرهوادارترین تیم فوتبال کشور، باشگاهی که پسوند «فرهنگی- ورزشی» را بدک می کشد، به خودش اجازه می دهد روی اتن زنده با ادبیاتی سخیف به سرپرست مدیرعاملی باشگاه قیب بگوید: «لهجه ات را جراحی کن!»، درود بر ما ایرانیان و فرهنگ باستانی و غنی و درخشان مان که مدیرش این است. نه آقا! شما برو فرهنگت را، ذهنت را، شخصیتت را جراحی کن! چون چنین ادبیاتی نمی تواند آمده از فرهنگ اصیل و انسانی، ذهنی سالم و شخصیتی در حد مدیریت در هر عرصه ای، خاصه عرصه فرهنگی- ورزشی باشد. تعارف نکنیم، این بی ادبی و بی فرهنگی در سطح بالای مدیریتی ما سالهاست تداوم دارد و مدام دارد با وقاحت بازتولید می شود. از آن «خودت بمال» وزیر بهداشت، تاسیلی آن نماینده مجلس به صورت یک سرباز، تا کشمش خوردن و بی ادبی آن یکی نماینده در حضور معلمان دادخواه و اصلاً چرا راه دور برویم، دست به یقه شدن و لیچار بار هم کردن نمایندگان تازه وارد مجلس در همان روز نخست، همه همه نشان از سطح فرهنگی بسیاری از این حضرات دارد که تازه کار مردم هم دستشان است (بیچاره مردم) و ادعای تقوا، خدمت و ایثار هم دارند و تازه بابت مسائل فرهنگی ملت هم قدرت تصمیم گیری دارند، و باز تعارف نکنیم، هر کسی به این سادگی که نمی تواند مدیرعامل پرسپولیس شود، باید طرف از هزار فیلتر بگذرد تا به چنین جایگاهی برسد. این اهانت با اهانت های دیگر خیلی فرق دارد، یک بی ادبی ساده نیست، توهینی نژادی و قومیتی است که اگر در فیلم یا سریالی رخ داده بود، یا اگر روزنامه یا مجله ای به آن دامن زده بود، درجا توقیف می شد. این جمله خبر از نگرشی خطرناک به جامعه و مسمومیت ذهنی آکنده از دوگانه خودی- غیر خودی می دهد، آن هم با نگاهی استعماری که مرکز را دارای برتری و امتیاز انسانی می داند و هر چه خارج از مرکز را در تراز پایین تر، حلال می توان فهمید که وقتی همین فرد، در زمان حضور رونالدو در ایران دخترش را در استقبال از او با خود همراه کرد و اگر امکانش را داشت صدربرابر آن چه به رونالدو هدیه داد، تقدیمش می کرد، در پس ذهنش چه می گذشت.

در هر کجای دنیا بود، بابت این توهین نژادی و قومیتی طرف باید بسفت و سخت جواب پس می داد و چون در عرصه فوتبال این مسئله از اهمیت ویژه ای برخوردار است، باید در جا برکنار می شد یا استعفا می داد. فوتبال به عنوان یک پدیده پاپ و همه گیر، به شدت از نظر فرهنگی آسیب پذیر است و همگی می دانیم کنترل هوایگانیسم در این رشته تا چه حد حیاتی و دشوار است. اصلاً نمی شود از این سخنان به سانگی گذشت و به جریمه مالی و محرومیت از مصاحبه و امثالهم دل خوش داشت. اگر پس فردا چنین رویدادی دستمایه صدهزار تماشاگر شود در شعارهایشان داخل استادایوم و درگیری های لفظی و فیزیکی غیرقابل جبران پدید بیاید، چه کسی یا سخنگو خواهد بود؟ آن هم در مملکتی که واقعا عسوم مردمش به تبعیت از فرهنگ جهانی طی سالیان اخیر به شدت ادبیات خود را اصلاح کرده اند و نمونه اش لطیفه های فضای حقیقی و مجازی که برخلاف سالیان قبل، به ندرت سراغ قومیت، ملیت و نژاد خاصی می روند. آن وقت فردی که خودش را مدیر می داند در رسانه ای که خودش، خودش را ملی می داند به خود جرات می دهد چنین نگاه سخیفی داشته باشد و بی پروا اعلامش کند. به نظر من این رخداد برای تمام اهالی ورزش، حتی دولت، مجلس و رسانه آزمون بسیار بزرگی خواهد بود. اگر بخوانند این ماجرا با ماست مالی، عذرخواهی، جریمه و امثالهم جمع شود، در ترویج یک فرهنگ خطرناک و فالنشستی و متحجر همکاری کرده اند. باید کفبری برای این فرد در نظر گرفت که سایرین حتی اگر در ذهن تاریکشان دنیا و آدمها را چنین می بینند و این مسان در بتناقی بی اخلاقی دستنویا می زنند، جرات بیان و ترویجش را نداشته باشند. خاصه که اکثر مسئولان تراز اول مملکت خود شهرستانی هستند و لاجرم لهجه دارند، پس دیگر جای تسامح نیست. زیباتر آنکه خود گوینده استعفا باشد، پوزش بخواهد و بساطش را جمع کند تا لاف تا حدی خطای بزرگش را با حرکتی انسانی جبران کرده باشد. هر چند بخش عمده ای از مدیرانی که مشابه ایشان به میز ریاست رسیده اند، چنان بسته و وابسته به میزند که جدا کردن شان با خون جراحی امکان پذیر نیست.

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی • مشاوران: عباس عدی و احمدزید آبادی، سردبیر: محمدجواد روح، سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • معاون سردبیر: مهرداد خدیو، دبیران گروه ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد)، آرمن منتظری (دیپلماسی و بین الملل)، علی ورامینی (رسانه و فرهنگ)، سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • مژگان خاموشی (عکس) • هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • شبنم رحمتی (معاون آنلاین)، مدیر هنری: مهدی قربانی تبار • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی، مدیر اداری و آگهی ها: شاهرخ حیدری، تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۵، تحریریه: ۸۸۷۳۰۵۹۹، گفهی ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷، نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸، لیتوگرافی و چاپ: همپهن • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۴۱۴۲۰۴۱۳۰۲۱



## سلاخی اخلاق

با وجود پایان لیگ برتر  
حاشیه های آن با مناظره مدیران سرخابی ادامه دارد

ملحق شده بود، بعد از پایان دیدار پرسپولیس و مس رفسنجان با ادبیاتی بسیار زننده علیه تمام ارکان فوتبال ایران و مقامات مسئول صحبت کرد که در این مصاحبه ۴۵ ثانیه ای فقط ۱۰ ثانیه از آن بدون سانسور قابل پخش بود. نکته عجیب اینکه کمیته انضباطی هنوز این بازیکن خاطی را احضار نکرده است. از سوی دیگر بهزاد غلامپور نیز طی مصاحبه عجیب اعلام کرد، باشگاه استقلال جام کنفیفا را به خانه نمی برد و این جام مبارک تیمی که شایسته بردن چنین جامی است، روزبه چشمی و حسین حسینی نیز با ادبیاتی مشابه، قهرمانی پرسپولیس را زیر سوال بردند که بعد از پایان لیگ کمیته انضباطی جواد نکونام را ۵ میلیارد تومان و دو بازیکن مذکور را ۲۵۰ میلیون تومان جریمه کرد. اما در استادیوم آزادی هم حواشی پسا قهرمانی کم نبود. به دلیل ناهماهنگی بین مسئولان ورزشگاه آزادی و نیروهای حراستی، برخورد بسیار زننده ای با خبرنگاران انجام شد و تا ثانیه هایی قبل از اهدای جام قهرمانی به هیچ خبرنگاری اجازه داده نشد تا برای تهیه گزارش به زمین مسابقه در موقعیت طراحی شده از سوی سازمان لیگ بروند. همچنین علی پروین و محمود خوردبین نیز بعد از پایان این دیدار به دلیل نبود خودروهای مناسب در ورزشگاه، با آمبولانس به خارج از ورزشگاه رفتند که همین موضوع با اعتراض شدید رئیس سازمان ورزشها روبرو شد. جعفر میعادفر گفته، طبق قانون از علی پروین شکایت خواهیم کرد چرا که نباید استفاده شخصی از یک وسیله ورزشی خصوصی می کرد. از طرفی در روزهایی که در جامعه به خصوص در ترافیک سرسام آور تهران بی اعتمادی به خودروهای اورژانس بسیار است، انتشار چنین اخباری طباعی اعتمادی را بین مردم افزایش می دهد.

## مناظره های با طعم بی اخلاقی

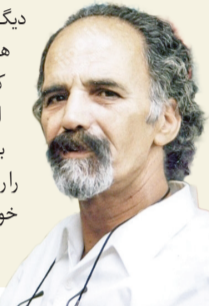
دوشنبه شب برنامه فوتبال برتر اما یکی از شب های آتشین خود را پشت سر گذاشت. در ابتدا رضا درویش، مدیرعامل پرسپولیس با حضور در این برنامه از سخنی هایی که بر این تیم گذشت تا به قهرمانی برسند توضیح داد. در ادامه اما فرشید سمیعی به استودیو فوتبال برتر آمد و با همان ادبیات آشنا اتهامات کنظیری را به عرب برقی، داور دیدار پرسپولیس و مس رفسنجان وارد دانست. همچنین سمیعی گفت، اگر برخی ارگان ها موس پرسپولیس را نداشتند این قهرمانی به استقلال می رسید. سمیعی همچنین ادعای دروغینی را مطرح کرد که تیم های سپاهان، مس و تراکتور قهرمانی را به استقلال تبریک گفتند که در عرض کمتر از ۵ دقیقه هر سه باشگاه چنین ادعایی را تکذیب کردند و گفتند اصلاً صفحه ای در پلنفرم ایکس ندارند. اوج این برنامه اما درگیری لفظی رضا درویش با فرشید سمیعی بود که با بی اخلاقی از سوی رضا درویش پایان یافت. درویش در بخش پایانی صحبت هایش خطاب به سمیعی گفت، شما باید اول لهجه ات را عمل کنی و بعد صحبت کنی. در واقع نگاه نژادپرستانه ای که رضا درویش داشت را روی آنتن زنده تلویزیون علیه سمیعی مطرح کرد که بی اخلاقی بود. البته درویش با انتشار یک استوری در اینستاگرام اعلام کرد خودش یک شمالی اصیل است و بابت اشتباهی که کرده از تمام مردم خسته شمال کشور عذر خواهی می کند. این پایان ماجرا نبود و کمیته انضباطی، مدیران عامل سرخابی را به دلیل اظهارات تشنج آمیز احضار کرد.

با اتفاقاتی که رخ داد مشخص شد، فوتبال در ایران سرگرمی نیست که برخی حاضر هستند این چنین یقه یکدیگر را بگیرند. خبرنگار همپهن در روز مسابقه و اطراف ورزشگاه آزادی ملاحظه کرد به دلیل بازار سیاه و حشنتاکی که از سوی برخی افراد سودجو برای فروش بلیت بازی به قیمت ۵۰ میلیون تومان راه افتاده بود، بسیاری از زنان هوادار پرسپولیس بیش از ۱۰ ساعت بدون بلیت زیر آفتاب منتظر ورود به ورزشگاه بودند؛ چرا که نمی خواستند زیر بار خرید بلیت بازار سیاه بروند. از طرف دیگر وقتی ادب و احترام مدیران باشگاه باین مونیخ مقابل بایرلورکوزن، مدیران آرسنال مقابل منچستر سیتی و مدیران سایر باشگاه های اروپایی مقابل تیم های قهرمان را می بینیم، به این نتیجه می رسیم که نهنتها مسائل فنی و سخت افزاری را با ختمیم بلکه با جامعه ای روبرو هستیم که حداقل در بعد ورزش، اخلاقیات را هم واگذار کرده ایم.

## چهره

## نویسنده جریان ساز

از نبودن هوشنگ گلشیری ۲۴ سال می گذرد. او ۱۶ خردادماه ۱۳۷۹ برابر ابتلا به بیماری مننژیت که نخستین نشانه های آن از پاییز ۱۳۷۸ پدیدار شده بود، در بیمارستان ایران مهر تهران درگذشت و در امامزاده طاهر کرج به خاک سپرده شد. گلشیری نویسنده ای جامع الاطراف بود؛ داستان می نوشت، روزنامه ای ادبی آورد، کلاس های داستان نویسی برگزار می کرد، نشست های فرهنگی داستانی خوانی به راه می انداخت، داستان نویس تربیت می کرد، فیلمنامه می نوشت، سراغ ادبیات کهن و متن های ارزشمند سنتی می رفت، ویرایش می کرد و همه ای این کارها را زیر سقف داستان به سرانجام می رساند. محصل بیش از سه دهه فعالیت ادبی هوشنگ گلشیری، پنج مجموعه داستان، چند داستان بلند، هفت رمان، یک فیلمنامه، تعداد قابل توجهی مقاله ای ادبی و چند اثر غیرداستانی دیگر است. از میان مشهورترین کتاب های هوشنگ گلشیری می توان به مجموعه داستان کوتاه «نیمه تاریک ماه» و رمان های «شازده احتجاب» و «کریستین و کید» اشاره کرد. بسیاری از منتقدان ادبی «شازده احتجاب» را رمان کوتاه و شماری آن را داستان بلند خوانده اند. این کتاب مشهورترین اثر هوشنگ گلشیری است.



## کتابخانه

## از مهم ترین های ادبیات آمریکای لاتین

«گورهای گاوچران» مجموعه ای از سه داستان نیمه بلند، نوشته روبرتو بولانو با ترجمه محمد جوادی در ۱۷۶ صفحه و با قیمت ۱۸۰ هزار تومان توسط نشر چشمه منتشر شد. «گورهای گاوچران» مجموعه ای است از سه داستان نیمه بلند «گورهای گاوچران» نوشته شده بین سال های ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۸، «کمدی وحشت فرانسوی» نوشته شده بین سال های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۳ و «سرمزین پدری» نوشته شده بین سال های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۵ که پس از مرگ نویسنده منتشر شد. هر سه این داستان ها خصیصی را در بردارند که نثر بولانوی به آن ها شهره بود. روایت نیمه شخصی، داستان چندلایه، شوخ طبعی و هیجانی که به این سادگی ها رهایتان نمی کند چنان که منتقد لس آنجلس ری ویوآوبوکس می نویسد: «نثر او جهانی و پرمایه، خلاق و سرگراور، پرطراوت و برآمده از احساس است. «بولانوی متولد شیلی بود اما از آن جا که با نویسندگان هم وطن هم عصرش سر سازگاری نداشت، بیشتر عمر را در رفت و آمد میان مکزیک و اسپانیا گذراند با این حال منتقد نیویورک تایمز او را مهم ترین صدای ادبی معاصر آمریکای لاتین نامیده است.



## گورهای گاوچران

نویسنده:

روبرتو بولانو

مترجم:

محمد جوادی

انتشارات: نشر چشمه

## تاریخ

## حمله به معبد سیکها



۵ ژوئن ۱۹۸۴، ایندیرو گاندی، نخست وزیر وقت هند دستور تصرف «معبد زرین سیکها» را در پنجاب صادر کرد. صدها سیک در آنجا پناه گرفته بودند که بسیاری از آنان در پی صدور دستور گاندی و حمله نظامیان به معبد که عملیات «ستاره آبی» نام گرفت، کشته شدند. در این فاجعه ۵۵۴ نفر از مدافعان و اهالی شهر کشته و ۱۲۱ نفر زخمی شدند. تلفات نظامیان هم ۹۲ کشته و ۲۷۸ مجروح اعلام شد. همین اقدام سبب شد که بعداً دو سرباز سیک بانو گاندی را از اقامتگاهش ترور کنند. سیکها از مهاتما گاندی قول گرفته بودند ایالتی را به صورت خودمختار اداره کنند. این قول اما بعدتر محقق نشد و همین باعث شد سیکها که اقلیتی ثروتمند و تحصیل کرده در هند هستند، به رهبری جرنیل سینگ معبد را تصرف کنند. با شکست مذاکرات اولیه میان سیکها و دولت هند، اما حمله نظامی به معبد آغاز شد و بدین ترتیب مقاومت سیکها بعد از دو روز در هم شکست. با این همه این عملیات نظامی هم موجب ترور آتی گاندی شد، هم به پیوستن بسیاری از جوانان سیک به جنبش خالصان انجامید.